

## الگوی شبکه محور حکمرانی آموزش و پرورش مبتنی بر نهج البلاغه<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۶

پروین بصیر پور<sup>۲</sup>

محمدعلی نادی<sup>۳</sup>

فریبا کریمی<sup>۴</sup>

چکیده

آموزش و پرورش، معرف هویت فرهنگی و دینی جامعه است که ارتقای حکمرانی آن به مثابه مهم ترین نهاد تربیت نیروی انسانی، مولد سرمایه اجتماعی و عهده دار اجرای سیاست های مصوب، ضرورتی انکارناپذیر دارد. با توجه به اهمیت موضوع، هدف از این پژوهش کیفی، شناسایی مؤلفه های حکمرانی در آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی بوده است و برای گردآوری داده ها و شناسایی مضامین از تحلیل مضمون موضوعی برپایه روش آتراید- استرلینگ با رویکرد استقرایی و به صورت اکتشافی استفاده کرده ایم. محیط پژوهش، متن نهج البلاغه، بیست مقاله و دو کتاب را شامل می شود. پس از مطالعه دقیق، ابتدا متون مورد نظر کدگذاری شدند و بدین ترتیب، با بهره گیری از ترجمه های مختلف نهج البلاغه، ۶۵۰ مضمون اولیه براساس کلیدواژه مرتبط با حکمرانی شناسایی و انتخاب شد. بعد از جمع بندی و خلاصه کردن، مضامین اولیه به ۱۵۴ مضمون پایه و هشت مضمون سازمان دهنده (ضرورت و چگونگی شکل گیری، پیش بایست ها، اهداف و مسئولیت ها، پیش ران ها، بازدارنده ها، مردم گرایی، تسهیلگرها و معنویت در لایه های مختلف حکمرانی) برای مضمون فراگیر حکمرانی آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی تقسیم بندی شد و ترسیم شبکه مضامین آن صورت گرفت. اعتبارپذیری پژوهش با استناد به رویکرد لینکلن و گوبا (۱۹۸۵)، مبتنی بر چهار معیار باورپذیری، انتقال پذیری، اطمینان پذیری و تأییدپذیری انجام شد و متخصصان و خبرگان حوزه و دانشگاه در زمینه حکمرانی و آموزش و پرورش، آن را تأیید کردند.

**واژگان کلیدی:** آموزش و پرورش، تحلیل مضمون موضوعی، حکمرانی، نهج البلاغه.

۱. این مقاله، برگرفته از رساله دکتری با عنوان *ارائه مدل حکمرانی اسلامی مبتنی بر نهج البلاغه برای آموزش و پرورش ایران*، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اصفهان (خوراسگان) است.

۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.  
p.basirpour@gmail.com

۳. دانشیار مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).  
mnadi@khuif.ac.ir

۴. دانشیار مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.  
faribakarimi2005@yahoo.com

### بیان مسئله

حکمرانی عبارت از تمام فرایندهای اداره امور است که از سوی دولت، بازار و شبکه یا از طریق خانواده، قبیله، سازمان‌های رسمی و غیررسمی، قوانین و هنجارها اعمال قدرت می‌شوند. مفهوم حکمرانی در طول زمان، به میزان زیادی تغییر کرده است (بور، ۱۳۷۹، ص. ۱۵۹) و دو عامل در تسریع روند گسترش این مفهوم، مؤثر بوده‌اند: تغییر نظریه‌های اجتماعی و در پی آن، تفسیر نگرش مردم جهان و همچنین تغییرهای گسترده‌ای که در جهان رخ داده‌اند. نظریه‌ها و تجارب جدید، توجه همگان را از نهادهای مرکزی حکومت به سوی فعالیت‌های حکمرانی مطلوب معطوف کرده‌اند و امروزه، بیشتر فعالیت‌های حکمرانی، شامل فعالیت‌های نهادهای خصوصی و داوطلب و همچنین نهادهای عمومی هستند.

در دستورهای صریح دین مبین اسلام و نیز منابع و کتب اسلامی، درباره حکمرانی اسلامی به میزانی بسیار زیاد سخن گفته شده است. یکی از این منابع، نهج‌البلاغه است که بی‌تردید، بعد از قرآن کریم، کتابی حیات‌بخش و ارمغانی الهی برای جامعه بشری به‌شمار می‌آید. از آنجا که خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان امیرالمؤمنین (ع) با سیره ایشان در دگرگونی اوضاع امت اسلامی و تحقق یافتن سعادت مطلوب، یکسان است، شکل اسناد سیاسی را به خود گرفته که جهت‌گیری‌های حکومت اسلامی، روش‌های اداره کشور و نحوه رویارویی با دشواری‌ها را تبیین می‌کند و خط‌مشی‌های سیاسی‌ای را دربر می‌گیرد که باید در حکومت اسلامی از آن‌ها پیروی کرد (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲، ص. ۲). نگاه امیر مؤمنان به مقوله حکمرانی و حکومت، از نوع الهی است و در برخی موارد، با نگاه دنیامحور و قدرت‌مدار تفاوت اساسی دارد. ایشان فرموده‌اند:

سوگند به خدایی که دانه را شکافته و جانداران را آفریده است که اگر انبوه آن جماعت نمی‌بود یا گردآمدن یاران، حجت را بر من تمام نمی‌گرداند و خدا از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمکاران و گرسنگی ستم‌کشان، خاموشی نگزینند، افسار شتر خلافت را به گردنش می‌افکندم و رهایش می‌کردم و در پایان، با آن، همان می‌کردم که در آغاز کرده بودم (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه ۳).

در منطق این کتاب شریف، امام و حکمران، امین و پاسبان حقوق مردم و مسئول در برابر آن‌ها به‌شمار می‌آید و اگر قرار باشد یکی از این دو (حکمران و مردم) برای دیگری باشد، حکمران برای توده، محکوم خواهد بود؛ نه اینکه توده مردم، محکوم برای حکمران باشند (مطهری، ۱۳۶۸، ص. ۱۲۸). امیرالمؤمنین، علی (ع) در بیانی دیگر، مفهوم حقیقی حکمرانی را پاسداری از حرمت، حقوق و آزادی‌های مردم دانسته و فرموده‌اند: «حاکمان، پاسبانان خدا هستند در زمین او» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۵۰۶).

منظور از حکمرانی اسلامی، شیوه حکومتی‌ای است که در آن، ابعاد روابط حکومت و مردم، تعامل اجزای تشکیل‌دهنده حکومت و ارتباط آن با دیگر حکومت‌ها در اهداف، سیاست‌ها، قوانین و خط‌مشی‌ها، برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی براساس مبانی، اصول و روش‌های اسلامی تنظیم می‌شود (رضایی، دهقانی و کیان‌پور، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۰). از نظر لوئیس و پیترسون<sup>۱</sup> (2002)، یکی از نهادهای عرضه‌کننده آموزش در جامعه، آموزش و پرورش است که در نتیجه عملکرد خوب آن، جامعه مدنی با کیفیت زندگی مطلوب شکل می‌گیرد. کیلی<sup>۲</sup> (2016) معتقد است حکمرانی می‌تواند نقطه‌ای برای تقویت عملکرد نهادی در عرضه خدمات آموزشی باشد. آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی فرهنگی - اجتماعی، در تربیت نیروی انسانی و تولید سرمایه اجتماعی - فرهنگی در فرایند رشد و تعالی کشور، نقشی اساسی و سرنوشت‌ساز ایفا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که آینده کشور را می‌توان در آینده آموزش و پرورش امروز مشاهده کرد. هدف غایی نظام‌های آموزشی، فراهم آوردن زمینه برای شناسایی، رشد و شکوفایی استعدادها، و تعلیم و تربیت افراد به‌منظور حضور فعال و مؤثر در جامعه و انتقال دادن فرهنگ، ارزش‌ها و اصول حاکم بر کشور به آنان است؛ به همین سبب، در عصر حاضر، نقش نظام آموزشی و به‌ویژه آموزش و پرورش را در علم‌آموزی، توسعه مهارت‌ها، قابلیت‌های شناختی، و آماده‌کردن کودکان و نوجوانان برای ورود به مدارج تحصیلی بالاتر نمی‌توان خلاصه کرد؛ بلکه کارکرد فرهنگی و تربیتی آن در

---

1. Lewis and Pett'erson

2. Kelly

پیشرفت و توسعه جوامع اهمیت بسیار دارد ( D'Angelo, Krivel-Zacks and Johnson, 2016, p. 81). بررسی اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهد تاکنون، پژوهشی درباره حکمرانی در آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی انجام نشده و اگرچه مطالعاتی در زمینه حکمرانی اسلامی صورت گرفته است، پژوهشی را نمی‌توان یافت که در آن، به شکل تخصصی به حکمرانی آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی پرداخته شده باشد. اجرای حکمرانی در آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی، مستلزم طراحی مدل بومی و منطبق بر اسلام و فرهنگ کشور است. از طرف دیگر، ایده و تفکری جامع، دقیق و کارآمد و از همه مهم‌تر، منطبق با گفتمان مترقی انقلاب اسلامی برای اداره کردن این نظام عظیم و پیچیده، لازم است (غلامی، ۱۳۹۸). در کشور ما اقداماتی در این زمینه صورت گرفته است؛ اما هنوز حکمرانی‌ای واحد در آموزش و پرورش دیده نمی‌شود و از هم‌گسیختگی‌ها و پراکندگی‌هایی در ابعاد مختلف حکمرانی این نهاد مهم در حیطه تصمیم‌سازی، کنترل‌گری و تسهیل‌گری وجود دارد که به‌رغم تدوین شدن اسنادی همچون سند تحول و صورت‌گرفتن برنامه‌ریزی‌هایی در این حوزه، در این نظام گسترده و مهم هنوز وضعیت مطلوب ندارد؛ لذا از طریق واکاوی منابع اسلامی دست‌اول و انجام‌دادن پژوهش‌های علمی براساس آن‌ها می‌توان به حکمرانی‌ای منسجم و سودمند با رویکرد اسلامی رسید که حلال بسیاری از مشکلات کشور در حوزه تعلیم و تربیت است و با اجرای شایسته و قاطع آن می‌توان بسیاری از موانع را از پیش‌روی برداشت و در مسیر صحیح الهی حرکت کرد. ظاهراً باید در حکمرانی این نظام تجدیدنظر شود و بر این اساس، در پژوهش حاضر، درصدد به‌دست‌دادن مدلی کارآمد و نیز پاسخ‌گویی به این سؤال هستیم که مدل حکمرانی اسلامی برای آموزش و پرورش ایران، چگونه است.

انجام‌دادن این پژوهش از طریق برجسته‌سازی حکمرانی اسلامی از حیث عمل و نیز آشکارکردن مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی در آموزش و پرورش برای استقرار این سازه اهمیت و ضرورت فراوان دارد و از این روی، با دیدگاهی جدید و به‌منظور دستیابی به

مدل حکمرانی اسلامی در آموزش و پرورش کشور با توجه به موارد زیر، به ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر پرداخته می‌شود:

- پرکردن خلأ دانش در زمینه حکمرانی اسلامی در آموزش و پرورش؛
- شناسایی مضامین حکمرانی اسلامی در آموزش و پرورش؛
- تدوین مدل حکمرانی اسلامی در آموزش و پرورش؛
- در دسترس قرار دادن مدل مورد بحث برای صاحب‌نظران در زمینه آموزش و پرورش.

#### مبانی نظری پژوهش

در این بخش، مواردی بدین شرح، مورد نظرند:

الف) حکمرانی در بخش آموزش و پرورش<sup>۱</sup>:

نظام آموزشی به‌عنوان رکن اصلی آموزش و پرورش همه مردم جامعه، نقشی مهم در عرضه الگوی مناسب انسان سالم و آموزش‌دهی شاخص‌های آن برعهده دارد؛ به‌گونه‌ای که سبب تحقق یافتن تعامل اخلاقی می‌شود و در صورت کوتاهی و بروز اشکال در انجام‌دادن آن، ضربه‌هایی جبران‌ناپذیر بر پیکر جامعه وارد خواهند شد که ممکن است هرگز جبران نشوند (Addink, 2019, p. 401). امروزه، همه ملت‌ها با هر نظام سیاسی و اجتماعی پیشرفته یا در حال پیشرفت، به برنامه‌ریزی و اصلاحات آموزشی براساس آخرین روش‌های آموزشی و فنی، و پیشرفت‌های علمی جهان توجه خاص می‌کنند و این توجه تقریباً فراگرد وجه عمومی و شاخص سهم در ارزیابی سطوح توسعه‌یافتگی کشورها نیز محسوب می‌شود (نادری، ۱۳۹۶؛ Frey, 2015؛ Khalid, 2016). امروزه، مدارس ازسوی منابع مختلف، تحت فشارهای متعددی هستند و مسائلی همچون گسترش مراکز آموزش عمومی از حیث تعداد و تنوع، عرضه سبک‌های جدید آموزشی، کاهش یافتن منابع مالی دولتی و بخش خصوصی، الزام به پاسخ‌گویی، و توده‌گرایی مدارس باعث شده‌اند حکمرانی نظام آموزش عمومی و مدارس در نحوه برقراری رابطه با دولت، از منظر ماهیت حکمرانی در نظام آموزش عمومی اهمیت و ضرورت یابد (Frey, 2015; Ka and Mok, 2019, p. 5).

همچنین با توجه به تحولات محیطی و تغییرات شگرف و سریع صورت گرفته در تمام ساحت‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها، به‌ویژه در حوزه فناوری ارتباط و اطلاعات، نظام‌های آموزشی تغییر کارکرد داده (Heinrich, 2015) و از شکل سنتی به‌عنوان نظام‌هایی صرفاً آموزشی، به گونه نوین به‌منزله نهادهای حکمران فرهنگی و تربیتی تبدیل شده‌اند (Shaier and Stive, 2014). به‌منظور تحقق‌یافتن نظام آموزش عمومی مطلوب، نوعی حکمرانی متناسب با فرهنگ و ارزش‌های جامعه، لازم است و مطابق نظریه حکمرانی خوب، تحقق‌یافتن چهارچوبی منطقی برای ارتقای وضعیت آموزش عمومی، توجه ویژه به جایگاه این‌گونه آموزش در سیاست‌گذاری، افکار عمومی در سطوح فرهنگی - نهادی و نیز تقویت مسئولیت آحاد شهروندان، بخش‌های دولتی، بخش‌های تجاری و سازمان‌های مردم‌نهاد برای کمک به آموزش عمومی را ایجاب می‌کند (Kaho and Xiao, 2016, p. 26).

ب) مفهوم حکمرانی با رویکرد اسلامی:

حکمرانی اسلامی، عبارت از شیوه اعمال و تنظیم قدرت، سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها برای تحقق‌یافتن آرمان حیات طیبه از طریق مشارکت، هم‌افزایی و عملکرد بهینه نظام اسلامی است. اگر نظام اسلامی را دارای سازمان و سیستم بدانیم، سازمان عبارت از ارکان تشکیل‌دهنده آن است و سیستم یعنی روش و فرایندهای اعمال قدرت و تنظیم روابط بین ارکان این نظام (رضایی، دهقانی و کیان‌پور، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۳۰). حکمرانی اسلامی از آن جهت که حکومتی عقلانی است، قطعاً با حکمرانی‌های بشری و عرفی اشتراکاتی دارد؛ اما اصولاً در جوی منحصربه‌فرد متولد می‌شود که برخی اصول حکمرانی عرفی مانند همین حکمرانی خوب در آن، بیگانه‌اند یا در صورت استفاده از الفاظ مشترک، از نظر معنا تفاوت دارند. حکمرانی اسلامی، خاستگاه نظری متمایزی دارد که سبب دگرگون‌شدن آن در بسیاری از ابعاد می‌شود؛ همچنین این‌گونه حکمرانی علاوه بر مبانی و اصول نظری، در روبنا و شاکله نیز خاص و متمایز از دیگر حکمرانی‌هاست (غلامی، ۱۳۹۸).

وقتی می‌گوییم حکمرانی اسلامی، یعنی سازوکارهای لازم، دولتمردان و جامعه‌ای که این حکمرانی در آن اتفاق می‌افتد، همگی باید مسلمان باشند؛ به دیگر سخن، منظور از

حکمرانی اسلامی، این است که کوشندگان در فضای استقرار قدرت، حکومت و دولت، در فضای مبانی اسلامی، این کار را انجام دهند و خود مسلمان باشند (رفیعی آتانی، ۱۳۹۹). اسلامی‌بودن حکمرانی بدان معناست که از مجموعه معارف اسلامی بمنظور یافتن راه‌حلهایی برای مسائل سطح حکمرانی کشور استفاده شود؛ یعنی تعیین و کاربرد قواعد حکیمانه شریعت‌مدار با وحدت و همیاری صادقانه، مبتنی بر روابط اخوت ایمانی نقش‌آفرینان بامحوریت ولایت برای تحقق‌یافتن عدالت، و رشد و هدایت جامعه و در مسیر تقرب الهی باشند (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲).

ب-۱. وجه تمایز حکمرانی با رویکرد اسلامی از دیگر حکمرانی‌ها:

اگرچه از دیدگاه متفکران و صاحب‌نظران اسلامی، بین حکمرانی با رویکرد اسلامی و دیگر حکمرانی‌ها اشتراکاتی قابل توجه وجود دارد، وجوه تمایز مهمی نیز میان آن‌ها می‌توان یافت. بخش‌های مختلفی در این‌گونه حکمرانی دخالت دارند که باید با یکدیگر تعامل و هم‌افزایی داشته باشند. در جدول ۱، بعضی از این تفاوت‌ها را مشاهده می‌کنیم:

**جدول ۱. وجوه افتراق حکمرانی با رویکرد اسلامی و دیگر حکمرانی‌ها**

منبع	دیگر حکمرانی‌ها	حکمرانی با رویکرد اسلامی
حجازی فرد، ۱۳۹۷	توجه به مسائل این‌جهانی، قوانین و قواعد بشری هستند. اقتصاد و توسعه مادی مدّ نظر است. ارتباط نقش‌آفرینان، مبتنی بر مبادله، سلسله‌مراتب یا منافع مشترک است. نحوه مواجهه با مخالفان و دشمنان، قاطعانه نیست. به اخلاقیات توجه نشده است.	اولویت مسائل اخروی و سعادت ابدی، مبنای قوانین و قواعد احکام و شریعت الهی است. پیشرفت و رشد معنویت، حمایت از مظلومان و مستضعفان، ارتباط برپایه اخوت ایمانی و احساس، و جهاد با دشمنان اسلام از ارزش‌های محوری است. اخلاقیات و از جمله صداقت، بسیار مهم است.
ناظمی اردکانی، ۱۳۹۸	نگرش انسان به جهان، از نوع مادی است. اهداف از نوع اقتصادی هستند. ساختار حکمرانی به صورت استقلال قوای سه‌گانه است. اساس تدوین قوانین، خرد جمعی است. هدف از مشارکت مردمی، توسعه	نگرش انسان به جهان، از نوع الهی است. هدف، تعالی انسان است. ساختار حکمرانی به صورت قوای سه‌گانه مستقل بامحوریت ولی فقیه است. تدوین قوانین، مبتنی بر وحی و خرد جمعی است. عدالت،

منبع	دیگر حکمرانی‌ها	حکمرانی با رویکرد اسلامی
	اقتصادی است. عدالت، عامل اقتصادی قانونی و شرعی است. پاسخ‌گویی در برابر یکدیگر و جامعه، و مبارزه با فساد در همه ابعاد، نظارت قانونی و مدنی است. هستند. مبارزه با فساد در سطح اقتصادی است. نظارت به صورت قانونی است.	عامل پیشرفت و تعالی است. آزادی، قانونی و شرعی است. پاسخ‌گویی در برابر یکدیگر و جامعه، و مبارزه با فساد در همه ابعاد، نظارت قانونی و مدنی است. هستند. مبارزه با فساد در سطح اقتصادی است. نظارت به صورت قانونی است.
	حکمرانی غیردینی فقط اهداف مادی دارد و در رابطه با انسان، دارای اهداف مادی کوتاه‌مدت است. حکمرانی، مفاهیم و وحدت جامع و کامل ندارد. کسب قدرت، هدف اصلی است. آرا و مشارکت مردم، کافی است. در اهداف بلندمدت، انسان به آزادی مطلق می‌رسد. در پایان، حکمرانی به نفی خودش می‌رسد. اصول، ابزار کار هستند، ارزش ذاتی ندارند و موقت هستند.	اسلام علاوه بر اهداف مختلف، هدف خاص هدایت بشر برای تحقق یافتن رشد فردی و جمعی را نیز دارد؛ همچنین در رابطه با انسان، دارای اهداف بلندمدت است. اسلام، مفاهیم و وحدت جامع و کامل دارد. کسب قدرت، وسیله است. مشارکت و آرای مردم زیر سایه وحی و عقل قطعی اهمیت دارد. در اهداف درازمدت، انسان به عبودیت مطلق خداوند متعال می‌رسد. ذات خداوندی، نامتناهی است. اصول اسلامی، ارزشی و دائمی هستند.

### پیشینه پژوهش

در جدول ۲، توصیفی مختصر از پژوهش‌های صورت گرفته مرتبط با موضوع این مقاله را مشاهده می‌کنیم:

#### جدول ۲. خلاصه پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع این مقاله در داخل و خارج کشور

پژوهشگر	عنوان پژوهش	سال انتشار	نوع و روش پژوهش	نتایج
بردبار، ضرابی‌زاده و صالحی	ارائه الگوی حکمرانی خدامدار	۱۳۹۲	بنیادی، کاربردی و روش مطالعه اسنادی، دلفی فازی و پیمایشی	عرضه معیارهای حکمرانی شایسته اسلامی و در نهایت، رسیدن به الگوی حکمرانی خدامدار
منتظری،	الگوی حکمرانی	۱۳۹۷	رویکرد کیفی با	رفتار فاضله با عنوان پدیده محوری و در



الگوی شبکه محور حکمرانی آموزش و پرورش ... / پروین بصیرپور و دیگران ۲۷۷

پژوهشگر	عنوان پژوهش	سال انتشار	نوع و روش پژوهش	نتایج
بهمنی و فتحی زاده	خوب از دیدگاه نهج البلاغه: گامی در جهت تبیین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت		استراتژی مفهوم سازی داده بنیاد	تعامل با عوامل دیگر، حکمرانی کریمه به عنوان الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه را ایجاد می کند و در نهایت، شیوه تعامل این عوامل در مدل نهایی نشان داده شده است.
خلخال، نصیرناتری، شکیبایی، سلیمان پور و کاظم پور	مفهوم سازی حکمرانی خوب در آموزش و پرورش عمومی ایران با رویکرد پدیدارشناسی	۱۳۹۹	کیفی با رویکرد پدیدارشناسی و تحلیل مضمون	تحقق یافتن حکمرانی خوب در نظام آموزشی در قالب سازه های نتیجه گرایی، اثربخشی نقش ها، ارتقای ارزش ها، شفاف سازی، ظرفیت سازی و پاسخ گویی، قابل مفهوم سازی است.
منیعی، سلیمانی، عباس زاده و طباطبایی	طراحی و اعتباریابی الگوی حکمرانی تربیتی خوب در نظام آموزشی	۱۳۹۸	داده بنیاد با استفاده از روش ترکیبی متوالی (کمی و کیفی)	حکمرانی تربیتی خوب به پیامدهای اثربخش بودن نظام آموزشی، رشد و توسعه آموزش، و ارتقای رتبه در مجامع بین المللی می انجامد.
مهدی نژاد، نوری، نوروزی و کاظمی شوره	شناسایی ابعاد حکمرانی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران	۱۴۰۰	داده بنیاد با صورت ترکیبی	یازده مضمون اصلی و ۲۴ مضمون فرعی شناسایی شد.
نقوی، عزیز و زیدی	مدل حکمرانی خوب در اسلام	۲۰۱۱	تحلیل مضمون	در حکمرانی اسلامی خوب، شخصیت رهبر و مهارت های او در مقایسه با زیرساخت های نهادی اهمیت بیشتری دارد و مفاهیم قرآنی از غنای کافی برخوردارند.
خانا	ارائه مدل مفهومی برای دستیابی به حکمرانی خوب	۲۰۱۷	داده بنیاد به صورت ترکیبی	چهارچوب حکمرانی خوب با هفت اصل اساسی، شامل عملکرد، شفافیت، پاسخ گویی، مشارکت، رهبری، هماهنگی

پژوهشگر	عنوان پژوهش	سال انتشار	نوع و روش پژوهش	نتایج
	در مؤسسات آموزش از راه دور			و انصاف بیان شده است.
نتیم، سوبارین و برود	بررسی ساختارهای حکمرانی خوب و پاسخ‌گویی عمومی در نظام آموزش متوسطه	۲۰۱۷	کیفی با مصاحبه عمیق	مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی خوب در آموزش و پرورش، مورد تأیید هستند و از مؤلفه‌های اثرگذار در حوزه رهبری و مدیریت به‌شمار می‌آیند که به پاسخ‌گویی مطلوب می‌انجامند.
منیر احمد	حکمرانی اسلامی در تأمین مالی مدرسه	۲۰۱۸	کیفی و بررسی کتابخانه‌ای	اسلام در خصوص مسائل مالی، دارای مفاهیم جامعی است که با استفاده از آن‌ها، از فساد جلوگیری می‌شود.

در پی بررسی مطالب عرضه‌شده در پیشینه پژوهش درمی‌یابیم به مبانی نظری حکمرانی با رویکرد اسلامی، به‌میزانی بسیار کم پرداخته شده و در پژوهش‌های انجام‌شده در داخل و خارج کشور در این حوزه، بیشتر، شاخص‌های حکمرانی خوب، مورد نظر است. در پژوهش پیش‌روی، با برجسته‌سازی حکمرانی با رویکرد اسلامی از حیث عمل، آشکارسازی مؤلفه‌های حکمرانی در آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی برای نهادینه کردن آن صورت گرفته است و بدین منظور، برای دستیابی به هدف پژوهش، یعنی شناسایی مؤلفه‌های حکمرانی با رویکرد اسلامی در آموزش و پرورش، سؤالاتی به شرح زیر مطرح می‌شود:

الف) شبکه مضامین حکمرانی آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی، کدام است؟

ب) آیا شبکه مضامین حکمرانی آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی، دارای اعتبار است؟

### روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی است و برای انجام دادن آن از روش تحلیل مضمون<sup>۱</sup> آتراید - استرلینگ<sup>۲</sup> با رویکرد استقرایی و نیز روش تحلیل مضمون و ترسیم شبکه موضوعی استفاده

1. Thematic Analysis  
2. Attride-Stirling

کرده‌ایم. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش‌دهی الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی محسوب می‌شود و داده‌های پراکنده و متنوع را به صورت غنی و تفصیلی درمی‌آورد (عابدی جعفری، تسلیمی، فقیهی و شیخ‌زاده، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۳).

مضمون، ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که درک و تجربه‌ای خاص درخصوص سؤالات تحقیق را نشان می‌دهد (King and Horrocks, 2010, p. 150). این مقوله، اطلاعاتی مهم درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق را بیان می‌کند و تاحدی معنا و مفهوم الگوی موجود در محیط جدا از داده‌ها را نشان می‌دهد.

برای نوع‌شناسی مضمون و طبقه‌بندی آن در این روش براساس جایگاه مضمون در شبکه مضامین عمل شده است. انواع مضامین عبارت‌اند از: مضمون پایه (مقدمات مشهود و پایین‌ترین رتبه مضمون که بیانگر نکته‌ای مهم در متن است. در نتیجه ترکیب مضامین پایه، مضمون سازمان‌دهنده ایجاد می‌شود)؛ مضمون سازمان‌دهنده (دسته‌بندی‌های مضمون پایه که براساس اصول انتزاعی در یک گروه قرار می‌گیرند و واسطه مضمون‌های فراگیر و پایه هستند)؛ مضمون فراگیر که استعاره‌های اصلی را به صورت فراگیر شامل می‌شود و در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد (Attride-Stirling, 2001, p. 388). در روش تحلیل مضمون از شیوه‌ها و فنون مختلفی استفاده می‌شود و ایجاد شبکه مضامین و تحلیل آن را در سه مرحله کلی و شش گام فرعی می‌توان خلاصه کرد.

برای ارزیابی کیفیت مضامین به دست آمده، از روش لینکلن و گوبا<sup>۱</sup> (1985)، شامل چهار معیار باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری استفاده شده (محمدپور، ۱۳۹۷، ص. ۶۹۸) و درخصوص چهار معیار یادشده، اقداماتی بدین شرح صورت گرفته است:

الف) باورپذیری: در این حوزه، به منظور اشراف بیشتر بر موضوع، اقداماتی همچون سه بار مطالعه دقیق نهج‌البلاغه و کدگذاری آن، مقایسه و پرداخت کدهای به دست آمده، و مطالعه کتب مربوط به نهج‌البلاغه و زندگی امیرالمؤمنین (ع) انجام شده است.

---

1. Lincoln and Guba

ب) انتقال‌پذیری: در این بخش، اقداماتی مانند مقایسه مضامین به‌دست‌آمده با پژوهش‌های قبلی، و درک و توصیف وضعیت انجام‌شدن پژوهش در کشورهای مختلف، اعم از اسلامی و غیراسلامی صورت گرفته است.

ج) اطمینان‌پذیری: در این زمینه، چند جلسه با متخصصان و خبرگان حوزه، دانشگاه و آموزش و پرورش تشکیل داده و درخصوص مضامین به‌دست‌آمده بحث و گفت‌وگو شد.

د) تأییدپذیری: در این بخش، مطالعه و بررسی مضامین یافت‌شده در ترجمه‌های مختلف نهج‌البلاغه با استفاده از نرم‌افزار دانشنامه علوی (۱۳۹۷)، منتشرشده از سوی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی صورت گرفته است.

#### یافته‌ها

در این پژوهش، با استناد به خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه، مفاهیمی را جست‌وجو کرده‌ایم که از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع)، به تحقق‌یافتن حکمرانی در آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی منجر می‌شوند. بدین منظور، ابتدا متون نهج‌البلاغه، مقالات و کتاب‌ها را کدگذاری و موارد مرتبط با حکمرانی را از آن‌ها استخراج کردیم و مضامین اولیه را به‌دست آوردیم. شایان ذکر است که مضامین استخراج‌شده از نهج‌البلاغه، از جامعیت بسیار زیادی برخوردارند؛ به‌گونه‌ای که مضامین بقیه منابع را نیز دربر می‌گیرند و براساس آن‌ها مؤلفه‌هایی برای حکمرانی اسلامی شناسایی شدند. در جدول ۳، آمار فراوانی و جایگاه مضمون‌ها در شبکه مضامین به‌صورت مختصر به‌دست داده و سپس در شکل ۱، مدل مفهومی حکمرانی آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی ترسیم شده است.

#### جدول ۳. استخراج مضامین سازمان‌دهنده از مضامین پایه برای مضمون سازمان‌دهنده حکمرانی اسلامی

مضمون سازمان‌دهنده	فراوانی	محورهای مضامین پایه	مضامین پایه
ضرورت و چگونگی شکل‌گیری حکمرانی اسلامی	۱	۱. اسلامیت	اسلام یعنی: ۱. تسلیم‌بودن در برابر خدا؛ ۲. باور قلبی و عملی برای انجام‌دادن مسئولیت‌ها و عمل کردن به فرمان‌های دینی؛ ۳. راهنمایی برای آسایش، آرامش و هدایتگری؛ ۴. روش فهمیدن و تصدیق حق؛ ۵. وسیله دستیابی به آبنوان نبودن حکمرانی و امانت‌بودن آن؛
	۱۴	۲. مفهوم	

مضمون سازمان‌دهنده	فراوانی	محورهای مضامین پایه	مضامین پایه
		حکمرانی اسلامی	۶. حکمرانی خداوند متعال بر هستی و امین و نگهبان بودن حکمران برای امانت الهی؛ ۷. رهانشدن امور جامعه و ایجاد حرکت و پویایی در آن از طریق حکمرانی؛
	۲۲	۳. ویژگی‌های حکمرانی اسلامی	۸. نگرش و رفتار یکسان با مردم؛ ۹. ارزیابی منطقی و عاقلانه جامعه؛ ۱۰. صبر، بردباری و تحمل‌کردن سختی‌ها؛ ۱۱. استواری رأی در اجرای حق؛
پیش‌بایست‌های حکمرانی اسلامی	۲۰	نفس تربیت‌شده	۱۲. از بین رفتن حق‌گرایی در اثر تربیت‌نشدن نفس؛ ۱۳. تحقق‌یافتن راحتی و آرامش دیگران در نتیجه تربیت نفس و حاکم‌بودن بر آن؛ ۱۴. تمایل نفس به نافرمانی و معصیت؛
	۲۵	نگاه منطقی به دنیا	۱۵. محل آرامش نبودن دنیا؛ ۱۶. گذرآبودن دنیا و محل کوشش و جهاد بودن آن؛ ۱۷. روی‌گرداندن از جاذبه‌های دنیا و یقین‌داشتن به تحولات آن؛
	۱۸	تقوا و خویش‌داری	۱۸. قراردادن تقوا در رأس همه ارزش‌های دنیایی؛ ۱۹. محفوظ‌ماندن حقوق انسان با تقوا نزد خداوند متعال؛
	۱۷	ایمان به اصول و ارزش‌ها	۲۰. مهیا‌شدن زمینه برای رونق علم با استفاده از ایمان قوی؛ ۲۱. بروز نشانه‌های شاخص ایمان در حکمران؛ ۲۲. استواری ایمان از طریق عمل‌کردن به وظایف با تمام وجود؛ ۲۳. دست‌یافتن به ایمان از طریق اعمال نیک؛
	۱۷	اعتقاد به آخرت	۲۴. بی‌شماربودن دگرگونی‌های دنیا و راحتی و آرامش در آخرت؛ ۲۵. داشتن سهمی از دنیا برای ساختمان آخرت؛ ۲۶. اصلاح امور آخرت از طریق اصلاح امور دنیا؛ ۲۷. نگاه‌داشتن تلاش و همت خود برای آبادانی آخرت؛
	۱۷	معرفت و شناخت	۲۸. استفاده از علم، خرد و تجارب گذشتگان در حکمرانی؛ ۲۹. پرهیز از بدعت‌گذاری با استفاده از علوم و معارف؛ ۳۰. منبع هدایت و راهنمایی بودن قرآن برای حکمرانی اسلامی؛ ۳۱. اندیشه به‌عنوان آینه‌ای شفاف برای حکمرانی؛
اهداف و	۱۸	عدالت‌محوری	۳۲. گسترش‌یافتن عدالت به‌منظور افزایش اعتماد مردم به عدالت‌محوری

مضمون سازمان‌دهنده	مضامین پایه	مضامین پایه	مضامین پایه
مسئولیت‌های حکمرانی اسلامی	۳۳. زیاد شدن قدرت مردم در پی گسترش یافتن عدالت؛ ۳۴. گسترش یافتن عدالت، تدبیری عمومی برای عامه مردم از طرف حکمرانان؛ ۳۵. گشایش برای مردم از طریق گسترش دهی عدالت؛ ۳۶. بیشتر پذیرفته شدن حکمران عادل از سوی مردم؛		
	۱۹ مبارزه با ظلم	۳۷. رواج یافتن زشتی‌ها و از بین رفتن خوبی‌ها در پی برقراری ستم؛ ۳۸. مُحَقِّق نبودن زمامدار به ستم‌ورزی در جامعه؛ ۳۹. پذیرفته نشدن دلایل ستمکاران از سوی مردم و خداوند متعال؛ ۴۰. انصاف داشتن با همگان برای پرهیز از ستمگری؛	
	۱۸ اقتصاد کارآمد	۴۱. جلوگیری از خیانت اقتصادی؛ ۴۲. برقراری امنیت و تعادل اقتصادی در جامعه؛ ۴۳. داشتن سیاست اقتصادی؛ ۴۴. برقرار کردن عدالت اقتصادی در جامعه؛	
	۱۸ سیاست‌گذار ی مطلوب	۴۵. گمراه شدن جامعه در پی سیاست‌گذاری نادرست؛ ۴۶. جلوگیری از رواج یافتن جهل از طریق سیاست‌گذاری درست؛ ۴۷. کج‌روی سیاست‌گذاران در صورت سیاست‌گذاری نادرست؛ ۴۸. فرصت بودن سیاست نادرست برای دغل‌کاران؛	
پیش‌ران‌های حکمرانی اسلامی	۱۷ توسعه فرهنگ انسان‌ساز	۴۹. حفظ آداب و رسوم خوب گذشتگان؛ ۵۰. مسئولیت داشتن حکمران برای حفظ کردن آداب خوب و تلاش او برای جلوگیری از زوال این آداب؛ ۵۱. همسویی آداب و احساسات حکمران با جامعه؛ ۵۲. پیروی از حکومت‌های عادل گذشته؛	
	۱۵ قانون‌محوری	۵۳. دستیابی به هدف در نتیجه اجرای قوانین الهی؛ ۵۴. نگریختن از قوانین الهی؛ ۵۵. اداره کردن جامعه در مرز قانون؛ ۵۶. برقراری نظم و ارتباط بین قوانین هستی؛	
	۱۵ ایجاد روحیه اتحاد و همبستگی	۵۷. پیوند زدن فاصله‌ها بین مردم و برقراری یگانگی بین آن‌ها؛ ۵۸. به نتیجه رسیدن کار خیر در پرتو همبستگی جامعه؛ ۵۹. اتحاد یعنی نترسیدن از خشم‌گیرندگان، دشنام‌دهندگان و سرزنش‌کنندگان؛	

الگوی شبکه‌محور حکمرانی آموزش و پرورش ... / پروین بصیرپور و دیگران ۲۸۳

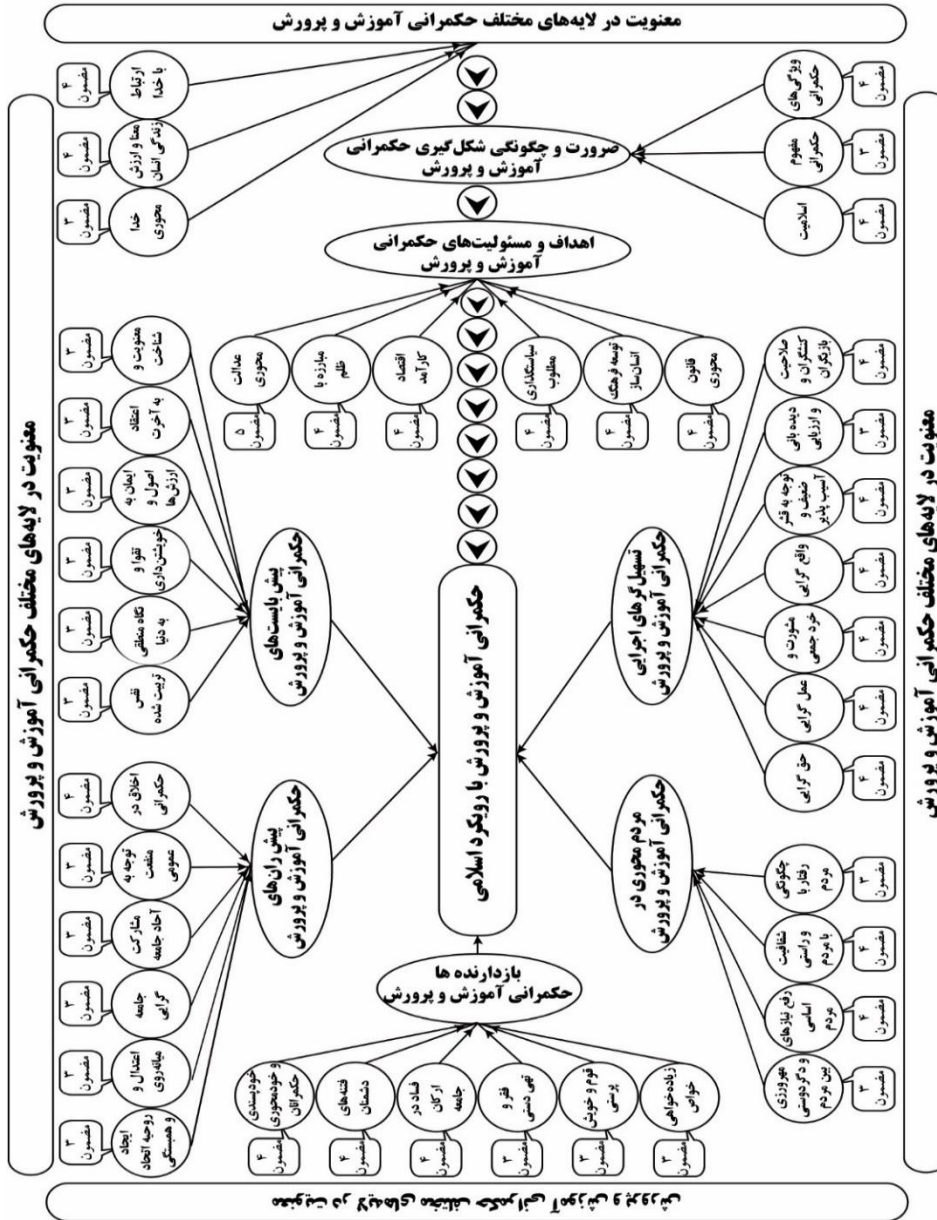
مضمون سازمان‌دهنده	مضامین پایه	محو‌های مضامین پایه	فراوانی
	۶۰. دستیابی به بی‌نیازی در نتیجه اعتدال و میانه‌روی؛ ۶۱. مستقیم‌بودن راه الهی؛ ۶۲. گمراهی در نتیجه گرایش به چپ و راست؛ ۶۳. میانه‌رو بودن مسلمانان؛ ۶۴. میانه‌روی یعنی آینده‌نگری؛ ۶۵. منحرف‌شدن از مسیر درست در نتیجه ترک اعتدال؛	اعتدال و میانه‌روی	۱۴
	۶۶. زندگی‌کردن در اجتماعات بزرگ؛ ۶۷. وابستگی همه اقشار جامعه به یکدیگر؛ ۶۸. حمایت‌کردن خداوند متعال از جماعت مردم؛ ۶۹. کوشش برای جلب رضایت جمعی مردم؛ ۷۰. امنیت اجتماعی و حفظ کرامت انسان‌ها؛	جامعه‌گرایی	۱۲
	۷۱. تأمین اقتدار جامعه با حضور نظامیان مقتدر؛ ۷۲. برقراری عدالت در جامعه از طریق به‌کارگیری قضات درست‌کار؛ ۷۳. وجودداشتن نویسندگان توانا در جامعه؛ ۷۴. تقویت امور با کمک بازرگانان و صاحبان صنایع؛ ۷۵. برقراری تعادل اقتصادی با کمک‌گرفتن از مالیات‌دهندگان؛	مشارکت آحاد جامعه	۱۴
	۷۶. خلقت زمین و آسمان، و اطاعت آن‌ها از امر الهی برای تأمین منفعت انسان؛ ۷۷. ستم‌کردن از طریق تقسیم نامساوی اموال عمومی؛ ۷۸. محفوظ‌ماندن سهم گناه‌کاران از اموال عمومی؛	توجه به منفعت عمومی	۳۰
	۷۹. پرهیز از بزرگ‌نمایی در امور جامعه؛ ۸۰. آسان‌شدن حکمرانی در صورت رعایت‌کردن تساوی و انعطاف‌ورزی؛ ۸۱. وفاداری به تعهدات و وعده‌ها؛ ۸۲. طلب‌نکردن امتیاز بیشتر برای خود و رازداربودن؛	اخلاق در حکمرانی اسلامی	۲۳
بازدارنده‌ها و موانع حکمرانی اسلامی	۸۳. تنگ‌نظری و تخاصم با غرور و خودپسندی حکمران؛ ۸۴. ازبین‌رفتن صداقت عقل به سبب خودمحوری و خودبزرگ‌بینی حکمرانان؛ ۸۵. انتساب کارهای نادرست به خداوند متعال از سوی حکمرانان خودپسند و خودمحور؛	خودپسندی و خودمحوری حکمرانان	۱۵
	۸۶. سرگردانی و گمراهی انسان‌ها هنگام بروز فتنه؛ ۸۷. نفوذ فتنه در همه ابعاد جامعه؛ ۸۸. بروز فتنه در پی تحریف‌شدن قرآن کریم؛ ۸۹. ایجاد فتنه در پی ترک عادت‌های پسندیده؛	فتنه‌های دشمنان	۱۵

مضمون سازمان دهنده	مضامین پایه	مضامین پایه	مضامین پایه
	۱۷	بروز فساد در ارکان جامعه	۹۰. گسترش یافتن بدی‌های همگانی و منزوی شدن خوبان در دوران فساد؛ ۹۱. ایجاد زمینه برای ناپایداری ایمان و یقین به دنبال پیدایش فساد؛ ۹۲. زیاد شدن فقر و کفران نعمت در پی شیوع فساد در جامعه؛ ۹۳. بی‌اثر و کم‌رنگ شدن هدایت در پی افزایش فساد در جامعه؛
	۱۶	فقر و تهی‌دستی	۹۴. برابری فقر با مرگ؛ ۹۵. سرگردانی عقل، نقص دین و بروز دشمنی به دنبال گسترش یافتن فقر؛ ۹۶. زیاد شدن فقیران به سبب بروز فتنه در جامعه؛
	۱۸	قوم و خویش‌پرستی	۹۷. زیان رساندن خواسته‌های نابجای نزدیکان و اقوام حکمران به حکمران و جامعه؛ ۹۸. کم‌ارزش شدن حکمران نزد مردم به سبب قوم و خویش‌پرستی او؛ ۹۹. صلاحیت نداشتن حکمران در صورت تمایل به قوم و خویش‌پرستی؛
	۱۵	زیاده‌خواهی خواص	۱۰۰. همسو نبودن خشنودی خواص و خشم مردم؛ ۱۰۱. ناخشنود بودن خواص از اجرا شدن عدالت؛ ۱۰۲. خودداری کردن مردم از یاری دادن حکمرانان در صورت زیاده‌خواهی خواص؛
مردم محوری	۱۴	ایجاد مهرورزی و دگردوستی بین مردم	۱۰۳. اولویت داشتن اصلاح امور مردم بر انجام دادن واجبات دینی؛ ۱۰۴. وظیفه بودن ایجاد دوستی و مهربانی بین مردم برای حکمران؛ ۱۰۵. پوشش دل محسوب شدن مهربانی با مردم؛
	۱۲	برآوردن نیازهای اساسی مردم	۱۰۶. توجه به نیازها و خواسته‌های مشروع مردم؛ ۱۰۷. برآوردن نیازهای اساسی مردم هنگام احتیاج داشتن آنها؛ ۱۰۸. شکیبایی و صبر در برآوردن نیازهای اساسی مردم؛ ۱۰۹. واگذار نکردن مسئولیت برآوردن نیازهای مردم به دیگران؛
	۱۳	شفافیت و راستی با مردم	۱۱۰. زشت را زیاده‌دیدن و کوچک را بزرگ شمردن در نتیجه دوری از مردم؛ ۱۱۱. عذرخواهی از مردم بابت اجرای حق در صورت لزوم؛ ۱۱۲. راستی‌ورزیدن و یکرنگ‌بودن با مردم؛ ۱۱۳. عذرخواهی از مردم هنگام بروز کاستی‌ها به منزله ریاضت



مضمون سازمان دهنده	فراوانی	محورهای مضامین پایه	مضامین پایه
			برای حکمران؛
	۱۴	چگونگی رفتار با مردم	۱۱۴. خوش رفتاری با مخالفان عقیدتی؛ ۱۱۵. غنیمت ندانستن نابودی مردم برای تأمین خواسته های خود؛ ۱۱۶. خرسند نبودن از کيفردادن مردم و پشیمان نبودن از بخشودن آن ها؛
تسهیلگرهای اجرایی حکمرانی اسلامی	۲۲	حق گرایی	۱۱۷. توجه به تقابل همیشگی حق و باطل؛ ۱۱۸. عمل کردن به حق را لازمه حکمرانی دانستن؛ ۱۱۹. توجه به پیامدهای حق گریزی؛ ۱۲۰. عادلانه شدن حکمرانی در پی شناخت حق و آگاهی یافتن از آن؛
	۲۲	عمل گرایی	۱۲۱. دوری از شعارزدگی، لازمه حکمرانی دینی؛ ۱۲۲. به هدف رسیدن جامعه و پیشرفت آن در پی همسویی علم و عمل؛ ۱۲۳. جایگاه عمل صالح در اداره امور جامعه؛ ۱۲۴. مکمل بودن علم و عمل در حکمرانی؛
	۲۴	مشورت و خرد جمعی	۱۲۵. مشورت، بهترین وسیله برای حکمرانی؛ ۱۲۶. استفاده از قدرت عقلانی دیگران از طریق مشورت کردن؛ ۱۲۷. کاهش یافتن خطا در پی استفاده از عقاید دیگران در اداره کردن امور جامعه؛ ۱۲۸. اصلاح و آبادانی همه جانبه امور حکمرانی از طریق مشورت کردن؛
	۲۱	واقع گرایی	۱۲۹. حکمت آموزی از طریق نگرستن هوشمندان به واقعیت ها؛ ۱۳۰. تکیه نکردن به آرزوهای دست نیافتنی در برنامه ریزی و اداره امور جامعه؛ ۱۳۱. استفاده از فرصت های مفید و واقعی برای خدمت رسانی بهتر؛ ۱۳۲. تشخیص دقیق واقعیت ها از خرافات برای تصمیم گیری؛
	۳۱	توجه به قشر ضعیف و آسیب پذیر	۱۳۳. محافظت حکمران از حقوق قشر ضعیف و آسیب پذیر جامعه؛ ۱۳۴. تشکیل گروه های ویژه برای رسیدگی به امور مستضعفان؛ ۱۳۵. چاره جویی مستقیم و پی گیری مشکلات قشر ضعیف جامعه؛ ۱۳۶. در نظر گرفتن وقت خاص برای ملاقات با محرومان؛
	۲۶	دیده بانی و	۱۳۷. حساب رسی اعمال خود قبل از مرگ؛ ۱۳۸. ارزیابی

مضمون سازمان‌دهنده	مضامین پایه	مضامین پایه	مضامین پایه
	ارزیابی	مستقیم، غیرمستقیم و مستمر امور جامعه؛ ۱۳۹. نظارت بر اموال عمومی و امور مالی جامعه و تلاش برای و کنترل آن‌ها؛	
	۱۲	صلاحیت کنشگران و تجربه و سوابق کاری کنشگران؛ ۱۴۳. برآوردن نیازهای مادی و معنوی کنشگران؛	۱۴۰. انتخاب بازیگران و کنشگران بعد از مشورت و آزمایش؛ ۱۴۱. علاقه‌مند بودن کنشگران به جامعه و دلسوزی کردن برای آن؛ ۱۴۲. تجزیه و سوابق کاری کنشگران؛ ۱۴۳. برآوردن نیازهای مادی و معنوی کنشگران؛
معنویت در لایه‌های مختلف حکمرانی	۲۶	ارتباط با خدا	۱۴۴. برقرار کردن ارتباط با خدا و درک بدون واسطه او؛ ۱۴۵. مبتنی بودن فطرت انسان بر ارتباط یافتن با خدا؛ ۱۴۶. اصلاح‌شدن رابطه حکمران با مردم در پی اصلاح‌کردن رابطه خود با خدا؛ ۱۴۷. ارتباط حکمران با خداوند متعال به‌عنوان محکم‌ترین وسیله؛
	۱۴	معنا و ارزش زندگی انسان	۱۴۸. هدفمند بودن خلقت انسان؛ ۱۴۹. زندگی بشر را بخشی از حرکت هدفمند جهان دانستن؛ ۱۵۰. شناخت داشتن انسان از جایگاه خود در جهان؛ ۱۵۱. آفرینش کامل انسان از سوی خدا برای رسیدن او به تعالی؛
	۲۸	خدا محور	۱۵۲. اعتقاد به محوریت خداوند متعال و حرکت کردن در مسیر مورد نظر او؛ ۱۵۳. پی بردن به واقعیت جهان به‌عنوان یکی از نشانه‌های خدا محور؛ ۱۵۴. عملکرد خدا محورانه حکمران.



شکل ۱. الگوی شبکه محور حکمرانی آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی

## ۱. تحلیل شبکه مضامین

### ۱-۱. ضرورت و چگونگی شکل‌گیری حکمرانی اسلامی

در بررسی حکمرانی آموزش و پرورش از دیدگاه اسلام، ابتدا باید به ضرورت و چگونگی آن پرداخت. اولین مفهوم، اسلامی بودن حکمرانی است. اسلامیت، محتوای حکومت را بیان می‌کند و به دیگر سخن پیشنهاد می‌کند این حکومت با اصول و مقررات اسلامی اداره شود و در مدار اصول اسلامی حرکت کند؛ چون همان‌گونه که می‌دانیم، اسلام به‌عنوان یک دین و درعین حال، یک مکتب و ایدئولوژی، طرحی برای زندگی بشر در همه ابعاد و شئون است. امیرالمؤمنین در حکمت ۱۲۵ نهج‌البلاغه، اسلام را در قالب شش عبارت بدین شرح تعریف کرده است: تسلیم بودن در برابر خدا، یقین داشتن، اعتقاد و باور راستین، اقرار درست، انجام دادن مسئولیت‌ها و عمل کردن به احکام دین. این عبارت‌ها به هم پیوسته‌اند و هریک از آن‌ها درگرو دیگری است. حکمرانان اسلامی و به‌ویژه حکمرانان آموزشی و تربیتی در صورتی می‌توانند در مسیر درست وظایفی که خداوند متعال برعهده آنان گذاشته است، حرکت کنند که دارای این معیارها باشند، به آن‌ها ایمان و یقین قلبی داشته باشند و با تمام وجود به آن‌ها عمل کنند (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، نامه‌های ۵ و ۱۳۳؛ خطبه ۱۶۹). مفهوم حکمرانی اسلامی در نهج‌البلاغه با مفاهیمی همچون نگهبان و امین خداوند متعال بودن، وسیله‌ای برای دستیابی به آب‌ونان نبودن، پویایی امور جامعه و رهانشدن امور جامعه عجین شده است (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، نامه ۵؛ حکمت‌های ۱۳۳ و ۱۴۶). حضرت علی (ع) به منزله مردی الهی، حکومت و زعامت را به‌عنوان پُست و مقامی دنیوی که نیاز بشر به جاه‌طلبی را برآورده می‌کند و هدف ایدئال زندگی است، بسیار تحقیر کرده و برای آن، پشیزی ارزش قائل نشده‌اند (مطهری، ۱۳۶۸). نگرش آن حضرت به قدرت و حکومت از یک منظر، از نوع عارفانه و زاهدانه است؛ به‌گونه‌ای که ایشان این مقوله را بسیار کم‌ارزش دانسته و یک جفت کفش کهنه را با ارزش‌تر از حکومت بر مردم قلمداد کرده‌اند؛ مگر آنکه حکمران بتواند انگیزه‌ها و اهداف والای خود از حکومت را فعلیت بخشد (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه ۳۳). از نگاه امیر مؤمنان، حکمرانی، ویژگی‌هایی خاص دارد و مفاهیمی مانند نگرش یکسان

به مردم و تبعیض قائل نشدن در رفتار با آنان، ارزیابی منطقی و عادلانه جامعه، شکیبایی و استواری رأی را از میان این ویژگی‌ها می‌توان به دست آورد (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، حکمت‌های ۱۴۶، ۱۷۹، ۱۹۲ و ۲۵۶؛ خطبه‌های ۹ و ۱۸۹؛ نامه ۲۷) که هریک از آنها در موفقیت در حکمرانی، بسیار مؤثر است.

## ۲-۱. پیش‌بایست‌های حکمرانی

برای اجرا شدن و حرکت کردن حکمرانی با رویکرد اسلامی، پیش‌بایست‌هایی لازم است که قبل از عمل حکمرانی باید آنها را در جامعه به وجود آورد و تقویت کرد. در این پژوهش، به شش پیش‌بایست برای حکمرانی دست یافته‌ایم که سبب افزایش یافتن موفقیت زمامداران در اداره کردن جامعه می‌شوند. در کلام حضرت علی (ع)، مواردی مانند تربیت، ریاضت، محاسبه و کرامت نفس (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، نامه‌های ۴، ۵۱ و ۵۶؛ خطبه‌های ۴۲ و ۱۷۱) را می‌توان یافت که برای اداره کردن جامعه ضرورت دارند. ایشان در بیشتر سخنان خود، دنیا را از ابعاد مختلف و با عناوین و صفات متعدد معرفی کرده‌اند (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌های ۶۴ و ۱۱۶؛ نامه‌های ۳، ۵۵ و ۵۹؛ حکمت‌های ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۳۳، ۲۵۱ و ۲۶۴) و با نگاهی منطقی و درست به این تعابیر درمی‌یابیم همه آنها از شروط لازم برای حکمرانی متعالی و انسانی، و تحقق یافتن آن هستند. تقوا و خویشن‌داری از دیگر پیش‌بایست‌های حکمرانی هستند که سبب اصلاح درون انسان می‌شوند و او را برای حکم‌راندن آگاه‌تر، واقع‌بین‌تر و داناتر می‌کنند (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌های ۱۶، ۳۲، ۱۳۲ و ۱۹۱؛ نامه‌های ۳۱ و ۵۳؛ حکمت ۹۵). ایمان داشتن به اصول و ارزش‌های اسلامی از ضروریات حکمرانی با رویکرد اسلامی است که باید در وجود حکمرانان به صورت اعتقادی، قلبی و عملی وجود داشته باشد (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه ۱۵۶؛ حکمت ۳۱). اعتقاد و ایمان قوی به آخرت و حسابرسی اعمال (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌های ۴۱ و ۲۰۳؛ حکمت‌های ۱۶۱ و ۱۶۸؛ نامه ۲۲)، حکمرانان را از انحراف و سردرگمی نجات می‌دهد. اگر حکمرانی براساس معرفت و شناخت (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌های ۷، ۸۷، ۱۰۵، ۱۲۰، ۱۴۵، ۱۷۱ و ۱۷۶؛ حکمت‌های ۴۰، ۱۱۲، ۱۱۱، ۲۱۱، ۱۱۳، ۳۸، ۲۸۸، ۲۰۵، ۲۸۴؛ نامه ۱۶۹) و برمبنای آیات صریح

قرآن انجام شود، از بدعت‌گذاری در قوانین و تصمیم‌گیری‌ها جلوگیری خواهد شد. امیرالمؤمنین منابع مهم کسب معرفت و شناخت را علم، خرد و تجربه‌های گذشتگان دانسته و اندیشه‌های زمامداران را به آینه‌ای شفاف برای حکمرانی متعالی تشبیه کرده‌اند. ایمان به اصول و ارزش‌ها (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه ۱۵۶؛ حکمت ۳۱) از دیگر پیش‌نیازهای حکمرانی از نگاه امام اول شیعیان است.

### ۳-۱. اهداف و مسئولیت‌های حکمرانی

در فرایند حکمرانی، تصمیم‌گیری و رابطه حکومت با مردم و نیز ارتباط حکومت با دیگر حکومت‌ها در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تعیین و تعریف می‌شود. حکمرانی خوب عبارت است از فرایند تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با مشارکت سازمان‌های جامعه مدنی که ضمن برآوردن نیازهای اساسی جامعه، به تحقق‌یافتن عدالت، امنیت و توسعه پایدار با استفاده از منابع انسانی و محیط‌زیست می‌انجامد (Lockwood, 2010). هر نوع حکمرانی‌ای براساس مبانی نظری آن، اهداف و مسئولیت‌هایی دارد و برای رسیدن به آن‌ها تلاش می‌کند. از جمله این موارد، عدالت‌محوری را می‌توان نام برد (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، نامه‌های ۲۷، ۵۳ و ۵۹؛ خطبه‌های ۹، ۱۶، ۱۳۱ و ۱۷۶؛ حکمت‌های ۱۲۷، ۲۳۱ و ۴۳۸). امام علی (ع) هدف از تشکیل حکومت را برپایی حق و عدل دانسته‌اند که اصلاح امور، فراهم‌شدن امنیت و آسایش برای ستم‌دیدگان، و اجرای قوانین الهی را در پی دارد.

مبارزه با ظلم (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، نامه‌های ۳۸، ۴۸ و ۵۳؛ حکمت ۲۲۲؛ خطبه ۱۰۶)، دستیابی به اقتصاد کارآمد (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌های ۳، ۱۵، ۱۲۶، ۱۲۷ و ۱۹۲؛ نامه‌های ۴۳، ۵۳، ۶۷ و ۱۴۳؛ حکمت‌های ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۴۶ و ۳۹۰)، سیاست‌گذاری مطلوب (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، حکمت ۷۶؛ نامه ۳۲؛ خطبه ۴۱)، توسعه فرهنگ انسان‌ساز (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، حکمت ۳۴۳؛ نامه ۵۳؛ خطبه ۸۶۸) و قانون‌محوری (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌های ۱۰۵ و ۱۲۰؛ نامه ۵۳) از جمله اهدافی هستند که در جای‌جای سخنان امیر مؤمنان می‌توان آن‌ها را مشاهده کرد.

#### ۴-۱. پیش‌ران‌های حکمرانی

پیش‌ران‌ها نیروهای عمده یا متغیرهای کلیدی شکل‌دهنده یک سیستم هستند که به صورت غیرمستقیم بر حوزه‌های مختلف اثر می‌گذارند. این‌گونه متغیرها از طرفی بر دیگر متغیرهای سیستم، بسیار مؤثر واقع می‌شوند و از طرف دیگر می‌توان آن‌ها را تغییر داد یا دست‌کاری کرد؛ به دیگر سخن، آن‌ها عناصری هستند که باعث ایجاد حرکت و تغییر در سیستم می‌شوند و حساسیت بسیار زیاد دارند (ایوب میگونی، ۱۳۹۷). در نهج‌البلاغه، عواملی مانند موارد ذیل را می‌توان مشاهده کرد که حرکت در حکمرانی را سرعت می‌بخشند: ایجاد روحیه اتحاد و همبستگی (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌های ۲۹، ۳۵ و ۲۳۱؛ نامه ۷۴)، اعتدال و میانه‌روی (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، حکمت‌های ۱۰۹ و ۱۴۱؛ خطبه‌های ۱۶، ۱۲۷ و ۱۹۳؛ نامه‌های ۲۱، ۳۰ و ۳۱)، جامعه‌گرایی (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه ۱۲۷؛ نامه ۶۹)، مشارکت همه طبقات جامعه در امور (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، نامه ۵۳؛ حکمت ۱۴)، توجه به منفعت عمومی (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌های ۳، ۱۲۷ و ۱۴۳؛ نامه‌های ۲۰، ۴۳، ۵۳ و ۶۷؛ حکمت ۴۳۰) و اخلاق در حکمرانی (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، نامه‌های ۵، ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۵۳).

#### ۴-۱-۵. بازدارنده‌ها و موانع حکمرانی

هر پدیده اجتماعی و از جمله حکمرانی بعد از ایجاد شدن، برای حفظ تداوم و پایداری خود باید موانع، محدودیت‌ها و بازدارنده‌های قرار گرفته بر سر راهش را بردارد. بازدارنده عبارت است از آن چیزی که فکر و اراده را از اشتغالات داخلی و خارجی بازمی‌دارد و به دیگر سخن می‌توان آن را شامل علت‌هایی دانست که مانع رسیدن موجود زنده به کمال خاص نوع خود می‌شوند. از جمله انواع بازدارنده‌ها موارد ذیل را می‌توان برشمرد: بازدارنده‌های اقتصادی مانند فقر، بازدارنده‌های اجتماعی همچون عادات و تقلیدهای کهنه و پوسیده، بازدارنده‌های سیاسی مثل استبداد و ستم، و بازدارنده‌های نفسانی همانند ترس و نگرانی (معین، ۱۳۷۱). ممکن است تربیت غلط، بازدارنده رشد اقتصادی و اجتماعی باشد؛ اما به‌طور کلی، آگاهی یافتن انسان از بازدارنده‌ها در بسیاری از موارد، سبب چیرگی او بر آن‌ها می‌شود؛ به این شرط که چنین آگاهی‌ای با عزم، اقدام، اعتماد و ایمان همراه باشد. هرچه

کوشش انسان برای دست یافتن به کمال، بیشتر باشد، میل او به گذشتن از وضعیت موجود، قوی تر خواهد بود (صلبیا و صانعی دره بیدی، ۱۳۹۳). در این پژوهش، موارد ذیل به عنوان بازدارنده های حکمرانی اسلامی شناخته شده اند که در منابع و احادیث اسلامی، به میزانی بسیار زیاد به آن ها پرداخته شده است: خودپسندی و غرور حکمران (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه های ۱۸، ۶۴، ۱۹۲ و ۲۱۶؛ حکمت های ۳۱ و ۲۱۱؛ نامه های ۳۱ و ۵۳)، فتنه های دشمنان (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه های ۲، ۵۰ و ۱۵۱)، بروز فساد در ارکان جامعه (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه های ۲ و ۱۲۹)، فقر و تهی دستی (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، حکمت های ۱۶۳ و ۳۱۹)؛ قوم و خویش پرستی (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه ۲۲۵؛ نامه های ۵۳ و ۶۳) و زیاده خواهی خواص (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، نامه های ۴۱ و ۵۳).

#### ۱-۶. مردم محوری

حکمرانی پدیده ای است که برای مردم و از سوی خود آنان اجرا می شود؛ به دیگر سخن، یکی از ارکان اصلی حکمرانی، مردم هستند که در همه مراحل باید مدنظر باشند. از دیدگاه امام خمینی (ره)، بدون همراهی مردم، امکان تحقق یافتن و استمرار حکومت اسلامی وجود ندارد و در واقع، حضور مردم، مقدمه ای برای این مسئله است. به گفته ایشان: «پشتوانه یک حکومت، ملت است. اگر یک ملتی پشتوانه حکومت نباشد، این حکومت نمی تواند درست بشود؛ این نمی تواند برقرار باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۴۰۹). از منظر اسلام، رابطه مردم با حکومت از نوع پدر و فرزندی است و اساس رفتار حکمرانی اسلامی با مردم باید همین مسئله باشد. در این پژوهش، مهرورزی و دوستی (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، نامه های ۴۷ و ۵۳)، برآوردن نیازهای اساسی مردم (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه ۱۷۶؛ نامه ۵۳)، شفافیت و راستی (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، نامه ۵۳)، و چگونگی رفتار با مردم (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، حکمت ۴۰۱؛ نامه های ۱۹ و ۵۳) به عنوان زیرشاخه های مردم گرایی در حکمرانی اسلامی شناخته شد.

#### ۱-۷. تسهیلگرها

تسهیلگری را می توان عبارت از فرایند کمک کردن به گروه ها یا افراد برای یادگیری، یافتن راه حل، رسیدن به نتیجه یا توافق دو طرف دانست. تسهیلگرها متغیرهایی هستند که از



طرفی، به‌میزانی زیاد بر دیگر متغیرهای سیستم اثر می‌گذارند و از طرف دیگر، قابلیت تغییرکردن یا دست‌کاری‌شدن دارند؛ به دیگر سخن، آن‌ها را می‌توان عناصری قلمداد کرد که باعث حرکت و تغییر سیستم می‌شوند و دارای حساسیت بسیار زیاد هستند (ایوب میگونی، ۱۳۹۷).

حق‌گرایی (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌های ۱، ۱۶ و ۱۰۵) از تسهیلگرهای حکمرانی است که با عدالت، ارتباط دوجانبه دارد. امیرالمؤمنین در نامه ۵۳ از نهج‌البلاغه، قشر ضعیف جامعه را یکی از طبقات جامعه دانسته‌اند که باید در حکمرانی آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی، به آن‌ها توجه ویژه کرد و کارگزاران حکمرانی باید برای آن‌ها به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که حششان محفوظ بماند؛ همچنین ایشان مشورت و خرد جمعی (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، حکمت‌های ۵۴، ۱۶۱، ۱۷۳ و ۳۲۱؛ نامه‌های ۵۰ و ۵۳) را عین هدایت، نشانه عقل و راهبرد بسیار اساسی در اجرای حکمرانی به‌شمار آورده‌اند. توجه به قشر ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، نامه ۵۳) به‌ویژه در نظام‌های آموزشی همچون آموزش و پرورش از دیگر مؤلفه‌هایی است که حکمرانان باید به آن توجه کنند. واقع‌گرایی (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، نامه ۳۱)، عمل‌گرایی (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌های ۴، ۳۷، ۱۰۵ و ۱۱۰؛ حکمت‌های ۷۳، ۱۲۷، ۳۶۶ و ۴۴۴)، دیده‌بانی و ارزیابی (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، نامه ۵۳)، و صلاحیت کنشگران و بازیگران (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، نامه‌های ۴، ۵۳ و ۱۱۸؛ خطبه ۱۷۱) از دیگر تسهیلگرهای حکمرانی آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی هستند که در برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته با ابعاد مختلف باید به آن‌ها توجه کرد تا از این طریق، بهتر بتوان علوم را به میدان عمل آورد، اقشار مختلف جامعه را به یکدیگر گره زد، شعارزدگی را از جامعه دور کرد و مسیر مستقیم الهی را پیمود.

#### ۸-۱. معنویت در لایه‌های مختلف حکمرانی

معنویتی که در محدوده دین قرار دارد، شکل خود را از جنبه‌های گوناگون آن می‌گیرد (Best, 2014, p. 121). ازمنظر علامه طباطبایی، حیات معنوی، عبارت از حیات قرب و مشاهده، و مشروط به بندگی و اخلاص در بندگی است. حیات ظاهری، همین خوردن

است و حیات معنوی یعنی انجام دادن اعمالی که در آنها مشاهده حق و تقرب به او محقق شود (باغ‌گلی، ۱۳۹۲، ص. ۴۸). شهید مطهری اظهار داشته: «در عصر ما یک جنایت بزرگ به صورت فلسفه و سیستم‌های فلسفی مطرح شده است و آن، این است که اساساً درباره انسان، شخصیت انسانی و شرافت انسانی، هیچ بحث نمی‌کند و «نَفَخْتُ فِيهِ رُوحِي» فراموش شده است». وی براساس دیدگاه قرآن، معنویت را عبارت از شناخت خدا و ماورای طبیعت، و ایمان آوردن به آن دانسته است (مطهری، ۱۳۸۳). تربیت معنوی از جمله مواردی است که باید در ابعاد مختلف حکمرانی سازمان‌های آموزشی و فرهنگی مورد توجه قرار گیرد؛ به عبارت دیگر، مربی، متربی و نیروهای پشتیبانی ستادی به تربیت معنوی نیاز دارند تا نتایج حکمرانی این گونه سازمان‌ها به صورت خدامحورانه اجرا شود. در این پژوهش، مضامین خدامحوری در همه امور (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه‌های ۱ و ۲۱۶؛ نامه ۳۱؛ حکمت‌های ۱۰۵ و ۳۳۰)، ارزشمندی زندگی انسان (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه ۱؛ حکمت ۳۷۰) و ارتباط با خداوند متعال (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه ۱، نامه‌های ۵۶ و ۵۹؛ حکمت‌های ۳، ۱۳ و ۴۲۳) در خصوص معنویت در لایه‌های مختلف حکمرانی به دست آمد.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ابتدا مضامین حکمرانی با استفاده از تحلیل مضمون موضوعی متن نهج‌البلاغه شناسایی و سپس الگوی مناسب برای نظام آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی با توجه به مؤلفه‌های به دست آمده ترسیم شد. در وهله نخست باید به این مسئله توجه کرد که حکمرانی اسلامی به رغم داشتن اشتراکاتی با حکمرانی‌های دیگر ملل و اقوام، به لحاظ نظری و مبنایی با آنها تفاوت‌هایی دارد. حکمرانی اسلامی از نوع الهی است و از حکمرانی خداوند متعال بر کل هستی نشئت می‌گیرد. اگر انسان‌ها بخواهند روی زمین حکمرانی کنند، باید این حکمرانی در راستای احکام خداوند متعال باشد تا آنان به حکمرانی با رویکرد اسلامی دست یابند.

از طرف دیگر، تعلیم و تربیت از مسائل زیربنایی هر جامعه است که نقشی مهم در گردش امور آن، در حوزه‌های آموزشی، تربیتی، فرهنگی، هنری، اجتماعی و... ایفا می‌کند؛

از این روی نمی‌توان صرفاً از یک بُعد به جامعه نگریست و آن را اداره کرد؛ همچنین اگرچه آموزش و پرورش از پیشینه‌ای کهن برخوردار است، هنوز نگرشی یکسان درباره آن وجود ندارد و مبانی نظری جامعی درخصوص اداره کردن و حکمرانی این نهاد به دست نیامده است. چندبُعدی بودن آموزش و پرورش و همچنین پیچیدگی حکمرانی به‌ویژه از نگاه اسلام، نیازمند صورت‌گرفتن پژوهش‌های متعددی است که در این پژوهش به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود. در مقاله حاضر، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال بودیم که چه مؤلفه‌هایی به تحقق یافتن حکمرانی در آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی می‌انجامند. مؤلفه‌های شناخته‌شده از نوع اکتشافی با بررسی کلیه خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه هستند؛ به‌ویژه مواردی که با اداره کردن یک جامعه یا جمعی از مردم، مرتبط‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌های حکمرانی آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی، مشتمل بر سازه‌های ضرورت و چگونگی شکل‌گیری، پیش‌بایست‌ها، اهداف و مسئولیت‌ها، پیش‌ران‌ها، بازدارنده‌ها و موانع، مردم‌گرایی و تسهیلگرهای اجرایی هستند که هرکدامشان زیرشاخه‌هایی دارند. با توجه به اینکه آموزش و پرورش، مهم‌ترین نهاد آموزش عمومی کشور برای تعلیم و تربیت و فرهنگ‌سازی بومی در آنجا محسوب می‌شود، باید ضرورت و چگونگی شکل‌گیری حکمرانی اسلامی مطابق با فرهنگ ملی، و چستی و چرایی آن در اولویت باشد و اندیشیدن و به‌دست‌دادن راهبردها و قوانینی در اصول مصرح قانون اساسی، و وجودداشتن اقتدار لازم برای اجرای بهتر آن‌ها موردتوجه قرار گیرد. برای اینکه استقرار حکمرانی براساس راهبردها و دستورهای اسلامی محقق شود، ابتدا باید پیش‌بایست‌های آن در جامعه و به‌ویژه درمیان حکمرانان نهاد تعلیم و تربیت نهادینه و تقویت شود. در گام نخست باید حکمرانان، مطابق با آیات صریح قرآن، از میان افرادی متعالی و شایسته انتخاب و تربیت شوند تا بتوانند نهاد آموزش و پرورش را مطابق با مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی اداره کنند. اگر حکمرانی خوب، دارای اهداف و مسئولیت‌های مادی و دنیایی است، حکمرانی اسلامی علاوه بر اهداف یادشده، اهداف دیگری نیز دارد که همه آن‌ها در راستای تعلیم و تربیت، تکامل روحی و تعالی انسان‌ها هستند. این اهداف به‌صورتی زنجیروار به هم

وابسته‌اند و درنهایت، به تحقق یافتن اهداف الهی می‌انجامند. پیش‌بایست‌های مبنایی و اعتقادی از دیگر مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی هستند که قبل از اجرا باید مورد توجه قرار گیرند تا ابعاد مختلف حکمرانی در فرایند اجرا با سرعت حرکت کنند؛ همچنین اگر موانع و بازدارنده‌ها قبل از ظهور شناسایی شوند و تدابیری برای مقابله با آنها اندیشیده شود، آسیب‌های تربیتی به‌میزانی چشمگیر کاهش می‌یابند. پایه اصلی هر نوع حکمرانی و از جمله حکمرانی اسلامی را مردم تشکیل می‌دهند؛ به‌گونه‌ای که در آیات قرآن و سخنان امیرالمؤمنین به‌صورتی جامع به آنها پرداخته شده است. به‌طور کلی، حکمرانی با و برای مردم است و در نظام آموزش و پرورش، حضور مردم و توجه به آنها ضرورت دارد. در این نظام، مردم نه تنها استفاده‌کنندگان از خدمات آموزش و پرورش، بلکه پشتیبان‌ها، مسئولان و مجریان آن هستند. در حکمرانی اسلامی - علوی، راهبردهای فراوانی برای تسهیل اجرای این‌گونه حکمرانی و اداره جامعه تحت پوشش آن تبیین شده است که توجه به آنها حکمرانان را در انجام دادن مسئولیت‌ها و نقش‌هایشان یاری می‌دهد. معنویت، یکی از ابعاد رشد همه‌جانبه شخصیت انسان است که در حال حاضر، بیشتر جوامع با نبود آن روبه‌رو هستند؛ در نتیجه، پوچ‌گرایی در این جوامع گسترش می‌یابد و عواقب روانی و ذهنی بسیار خطرناک دارد. در دگرگونی‌های کنونی جهان، انسان به تربیت معنوی نیاز دارد که از دوران کودکی تا بزرگسالی باید به آن توجه شود. از طرف دیگر، در جامعه اسلامی، معنویت نشئت گرفته از دستوره‌های اسلام باید گسترش یابد. آموزش و پرورش، نیازمند انسان‌های معنوی برای اداره کردن امور خویش است و درعین حال، خود، این انسان‌های معنوی را تربیت می‌کند؛ بنابراین، در لایه‌های مختلف حکمرانی آن، توجه به معنویت ضرورت دارد. با توجه به اینکه فناوری، زاینده علوم است و سازمان‌های آموزشی از فناوری آموزشی نرم به‌وجود می‌آیند، این سازمان‌ها به یک حکمرانی دینی و متعالی نیاز دارند که از نظریه‌های علوم انسانی برخاسته باشد و مبنای اسلامی بر آن حاکم شود. ابتدا باید میانی حکمرانی اسلامی از متون اسلامی استخراج شوند و بعداز مطابقت با وضعیت کنونی، ساختارسازی، مقررات‌گذاری، تحقق‌یافتن و رصد و نظارت، و در هر مرحله از اجرا،

اصلاح مقررات صورت گیرد. آموزش و پرورش، خود به‌عنوان یک نهاد آموزشی، حکمرانان آینده را تربیت می‌کند و درعین حال، برای اداره کردن امور خود به حکمرانی‌ای الهی نیاز دارد و از جایگاهی ویژه در فناوری نرم حکمرانی برخوردار است؛ بنابراین، حکمرانی در نهادهای آموزشی اهمیت فراوان دارد؛ گرچه منابع علمی انتشاریافته در این زمینه، بسیار محدودند. این مدل می‌تواند شروعی برای تدوین و تکمیل مبانی حکمرانی اسلامی در سازمان‌های آموزشی‌ای همچون آموزش و پرورش باشد و پس از آن می‌توان با انجام دادن پژوهش‌های علمی در مسیر تعالی انسان و جامعه گام برداشت.

در پایان، با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی بدین شرح درخصوص حکمرانی آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی به‌دست داده می‌شود: انجام دادن پژوهش‌های دانشگاهی با موضوع حکمرانی آموزش و پرورش با رویکرد اسلامی، توانمند کردن حکمرانان آموزش و پرورش در زمینه مؤلفه‌های حکمرانی، استفاده از ظرفیت‌های جامعه برای استقرار حکمرانی با رویکرد اسلامی، تطابق الگوهای مشارکتی و نهادگرایانه با مؤلفه‌های حکمرانی با رویکرد اسلامی، افزایش یافتن حساسیت کنشگران حکمرانی به تعلیم و تربیت اسلامی.

#### منابع

- نهج البلاغه (۱۳۸۵). (محمد دشتی، مترجم). قم: قدس.
- آذرنگ، ندا؛ و پیروزی، عبدالله (۱۳۹۶). بررسی نقش مردم در حکومت اسلامی و مبانی نظری آن از دیدگاه امام خمینی. پرتال امام خمینی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۶۷-۴۴.
- ایوب میگوینی، محمدرضا (۱۳۹۷). تبیین پیش‌ران‌های حکمرانی خوب با رویکرد تحلیل تأثیر متقاطع، تهران: کنفرانس حکمرانی و سیاست‌گذاری.
- باغ‌گلی، حسین (۱۳۹۲). مطالعه انتقادی تربیت معنوی در دنیای معاصر: مقایسه معنویت‌های دینی و نوپدید در عرصه تربیت. (رساله دکتری). دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه مشهد، مشهد، ایران.
- باقری مقدم، ناصر؛ و احمدی، حسن (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی حکمرانی در نظام آموزش عالی ایران. فصلنامه علمی- پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، ۴(۴)، ۷۴-۵۵.

- باقریان، فاطمه؛ و فاضلی، عصمت (۱۳۹۰). آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه: بیم و امید (گزارش بانک جهانی). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بردبار، غلامرضا؛ ضرابی‌زاده، شیما؛ و صالحی، طاهر (۱۳۹۲). ارائه الگوی حکمرانی خدامدار. فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت اسلامی، ۲۳(۲)، ۹-۴۱.
- بور، مارک (۱۳۷۹). حکمرانی: مقدمه‌ای بسیار کوتاه (عرفان مصلح و زهره کریمیان، مترجمان). تهران: کرگدن.
- حجازی فرد، سعید (۱۳۹۷). حکمرانی در نهج‌البلاغه. نشست تخصصی شماره ۳ از سلسله نشست‌های حکمرانی اسلامی، تهران: مدرسه حکمرانی شهید بهشتی.
- خلخال، علی؛ نصیرناتری، جعفر؛ شکیبایی، زهره؛ سلیمان‌پور، جواد؛ و کاظم‌پور، اسماعیل (۱۳۹۹). مفهوم‌سازی حکمرانی خوب در آموزش و پرورش عمومی ایران با رویکرد پدیدارشناسی. دوفصلنامه علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱۱(۴۱/۴۱)، ۲۰۸-۱۹۱.
- داداش کریمی، یحیی؛ میرسپاسی، ناصر؛ و نجف‌بیگی، رضا (۱۳۹۷الف). آسیب‌شناسی حکمرانی در نظام آموزش عالی ایران. فصلنامه علمی- پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، ۴(۷۴)، ۴-۵۵.
- داداش کریمی، یحیی؛ میرسپاسی، ناصر؛ و نجف‌بیگی، رضا (۱۳۹۷ب). طراحی مدل حکمرانی در آموزش عالی کشور. نشریه مدیریت سازمان‌های دولتی، ۲۸، ۲۷-۱.
- درخشه، جلال؛ و موسوی‌نیا، مهدی (۱۳۹۷). مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص). دوفصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۹(۱)، ۲۸-۱.
- رجایی، امیر (۱۳۹۶). بررسی وضعیت حکمرانی در بخش آموزش از منظر ارتباطی آن در کشورهای جهان. فصلنامه علمی- ترویجی سیاستنامه علم و فناوری، ۷(۴)، ۲۵-۳۴.
- رضایی، حسن؛ دهقانی، روح‌الله؛ و کیان‌پور، مهرداد (۱۳۹۸). طراحی و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های اساسی حکمرانی اسلامی (دولت معیار). تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.

**الگوی شبکه‌محور حکمرانی آموزش و پرورش ... / پروین بصیرپور و دیگران ۲۹۹**

رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۹۹). *معنا و مبنای حکمرانی اسلامی: نخستین نشست از سلسله‌نشست‌های مقدماتی کنفرانس سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی اسلامی*. تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی صدرا.

سالار زرهی، حبیب‌الله؛ و پورحبیب، حبیب (۱۳۹۵). بررسی سیر تحول در پارادایم‌های مدیریت دولتی: از پارادایم مدیریت سنتی دولتی تا پارادایم حکمرانی خوب. *نشریه مدیریت دولتی دانشگاه تهران*، ۴(۹)، ۶۲-۴۳.

سلطانی سروستانی، ژاله؛ صالحی، مسلم؛ قلتاش، عباس؛ و نادی، محمدعلی (۱۳۹۷). تحلیل عاملی تأییدی الگوی رهبری معنوی در آموزش عالی. *فصلنامه پژوهش در رویکرد نو در مدیریت آموزشی*، ۸(۳۲/۴)، ۱۹-۴۲.

سلیمی، جلیل؛ و مکنون، رضا (۱۳۹۷). فراتحلیل پژوهش‌های علمی ناظر بر مسئله حکمرانی در ایران. *نشریه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران*، ۱۰(۱)، ۳۰-۱. شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ و جامه‌بزرگی، آمنه (۱۳۹۲). نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه. *نشریه پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، ۱(۲)، ۲.

صلیبا، جمیل؛ و صانعی دره‌بیدی، منوچهر (۱۳۹۳). *فرهنگ فلسفی (چاپ ۴)*. تهران: حکمت. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *نشریه اندیشه مدیریت راهبردی*، ۱۰، ۱۹۸-۱۵۱.

عمید زنجانی، عباس‌علی (۱۳۸۰). دو گفت‌وگو در باب حکومت دینی و سکولار. *فصلنامه علمی-پژوهشی قبسات*، ۶(۲۰ و ۲۱)، ۳-۲۷.

غلامی، رضا (۱۳۹۸). *معنا و مبنای حکمرانی اسلامی: نخستین نشست از سلسله‌نشست‌های مقدماتی کنفرانس سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی اسلامی*. تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی صدرا.

محمدپور، احمد (۱۳۹۷). *ضدروشن: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی*. قم: لوگوس.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (۱۳۹۷). *نرم‌افزار دانشنامه علوی (نسخه ۳)*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *سیری در نهج البلاغه*. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). *مجموعه آثار (جلد ۲۳)*. قم: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- منتظری، محمد؛ بهمنی، اکبر؛ و فتحی زاده، علی رضا (۱۳۹۷). الگوی حکمرانی خوب ازدیدگاه نهج البلاغه: گامی در جهت تبیین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. *دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایران*، ۶(۱۱)، ۱۳۳-۱۵۵.
- منیعی، رضا؛ سلیمانی، نادر؛ و عباس زاده، موسی (۱۳۹۷). شناسایی عوامل مؤثر بر الگوی حکمرانی تربیتی مناسب در نظام آموزشی با استفاده از نظریه سه شاخگی. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه پزشکی دانشگاه مشهد*، ۶۱، ۲۳۰-۲۲۳.
- منیعی، رضا؛ سلیمانی، نادر؛ عباس زاده، ناصر؛ و طباطبایی، سید موسی (۱۳۹۸). طراحی و اعتباریابی الگوی حکمرانی تربیتی خوب در نظام آموزشی. *فصلنامه علمی آموزش علوم دریایی*، ۶(۲۱)، ۱۰۹-۱۲۶.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام (ج ۲۲)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مهدی نژاد نوری، محمد؛ نوروزی، خلیل؛ و کاظمی شوره، محمدحسین (۱۴۰۰). شناسایی ابعاد حکمرانی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. *اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی، مدرسه حکمرانی شهید بهشتی*. تهران.
- نادری، محمد مهدی (۱۳۹۶). مقدمه و واژه نامه حکمرانی خوب. *نشریه اسلام و پژوهش های مدیریت*، ۱(۱)، ۶۹-۹۴.
- ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۹۸). *نشست تخصصی شماره ۱۷. تبیین مؤلفه های حکمرانی اسلامی، سلسله نشست های حکمرانی اسلامی، تهران: مدرسه حکمرانی شهید بهشتی*.
- نصیرناتری، جعفر؛ خلخالی، علی؛ شکیبایی، زهره؛ سلیمان پور، جواد؛ و کاظم پور، اسماعیل (۱۳۹۹). تبیین سازه های حکمرانی خوب در نظام آموزش عمومی ایران. *فصلنامه علمی آموزش علوم دریایی*، ۲۱، ۱۲۴-۱۰۹.
- Addink, H. (2019). *Good Governance: Concept and Context*. Oxford University Press.
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research. *Qualitative*, 1(3), 385-405.



- Best, R. (2014). Spirituality, Faith and Education: Some Reflections from a UK Perspective. *Global Perspectives on Spirituality and Education*. 5-20, New York: Routledge.
- D'Angelo, K.; Krivel-Zacks, G.; and Johnson, C. (2016). Finding Good Governance: Collaboration between the University of British Columbia and the Richmond School District. *Problem-Based Learning in Teacher Education*, 73-83, Springer International Publishing.
- Frey, S. (2015). Leadership, Governance, and Organization in Higher Education: Select Books for Administrators. *Reference Reviews*, 29(7), 2-6.
- Heinrich, C. J. (2015). The Role of Performance Management in Good Governance and Its Application in Public. *Employment Research Newsletter*, 22(3), 2.
- Kaho, Mok; and Xiao, Han (2016). The Rise of Transnational Higher Education and Changing Educational Governance in China. *International Journal of Comparative Education and Development*, 18(1), 19-39.
- Kelly, R. (2016). *Creative Development: Transforming Education through Design Thinking, Innovation, and Invention*. Brush Education.
- Khalid, Z. (2016). Quality Guidelines for Good Governance in Higher Education across the Globe. *Pacific Science Review B: Humanities and Social Sciences*.
- Khanna, P. (2017). A Conceptual Framework for Achieving Good Governance at .Open Learning. *The Journal of Open, Distance and E-Learning*, 32(1), 21-35.
- King, N.; and Horrocks, C. (2010). *Interviews in Qualitative Research*. London: Sage.
- Klomp, J.; and De Hann, J. (2015). Effect of Governance on Health: A Cross-Sectional Analysis 101 Countries. *KYKLOS*, 61(4), 599-614.
- Lewis, M.; and Pett'erson, G. (2002). Governace in Education: Raisingper Formance. *SSRN Electronic Journal*, <https://www.researchgate.net/publication/22824719>.
- Lincoln, Y.; and Guba, E. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Beverly Hill, CA: Sage.
- Midrash, M. (2011), Thematic Analysis: The Secret to Rightly Dividing the Torah of Life, Retrieved from: <http://restorationoftorah.or>.
- Lockwood, M. (2010). Good Governance for Terrestrial Protected Areas: A Framework, Principles and Performance Outcomes. *Journal of Environmental Management*, 91(3), 754.
- Munir Ahmad, H. (2018). Islamic Governance in Islamic School Finance. *Cendekia*, (2018), 12(1), 1-22, <Http://cendekia.pusatbahasa.or.id>.
- Naqvi, I. H.; Aziz, S.; and Zaidi, S. A. H. (2011). The Model of Good Governance in Islam. *African Journal of Business Management*, 5(27), 10984.

- Ntim, C. G.; Soobaroyen, T.; Broad, M. J.; and Broad, M. J. (2017). Governance Structures, Voluntary Disclosures and Public Accountability: The Case of UK Higher Education Institutions. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 30(1), 65-118.
- Shaier, A.; and Stive, J. (2014). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*. Sage, Newbury Park, CA.
- Taylor, M. (2012). Shared Governance in the Modern University. *Higher Education Quarterly*, 5224-0951, 6(1) 80-94.